

رابطه «سیاست‌های زبانی دولت‌ها» و مدیریت زبان‌های محلی (مطالعه موردی رویکرد فدراسیون روسیه به زبان آسی)

شهرام نباتی^{*۱}

مریم شفق^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۶

۱۵۵

چکیده

در تدوین سیاست‌های زبانی و برنامه‌ریزی زبانی لازم است دولت‌ها و سیاستمداران به دوری‌گزیدن از دیکنه کردن شرایط پیشبرد و رشد زبان‌های محلی توجه کنند. در برنامه‌ریزی زبانی توجه به دو عامل اصلی «واقع‌بینی» شرایط زبان‌های محلی و نیز چگونگی «مشارکت» تمامی ملیت‌ها و اقلیت‌ها در پیشبرد و اجرای سیاست زبانی حائز اهمیت است. حمایت در حفظ و پاسبانی زبان‌ها و تنوع فرهنگی در یک سرزمین موجب هم‌دلی و نزدیک شدن قومیت‌ها به یکدیگر می‌شود، در حالیکه بی‌توجهی به این امر موجب مردن گویش‌های محلی و اندیشه و فرهنگ‌های قومیتی شده و در طول زمان نتیجه‌ای جز فروپاشی درونی نخواهد داشت. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ این سوال اصلی است که سیاست‌های زبان ملی به چه صورت بر ادامه حیات سایر زبان‌ها و گویش‌های موجود در یک کشور مؤثر واقع خواهند شد؟ فرضیه طرح‌شده توسط نویسندگان تأکید می‌نماید که سیاست‌گذاری مبتنی بر نقش زبان ملی در هر کشوری می‌تواند انعکاس دووجهی بر بقا و رشد سایر زبان‌ها و گویش‌های رایج یک کشور بر جای نهد. نوآوری پژوهش حاضر در استفاده از مواد زبانی مستندات و مدارک مصوبه‌ها و گردهمایی‌های علمی در حوزه سیاست زبانی و برنامه‌ریزی زبانی زبان‌های محلی / گویش‌های کم‌شمار در دولت‌های اتحاد شوروی و فدراسیون روسیه و نیز دستاوردهای آکادمی علوم شوروی و روسیه در راستای حمایت از تنوع زبانی و فرهنگی بر اساس تجربه یک کشور پهناور با قومیت‌های متنوع است.

واژگان کلیدی: سیاست زبانی، قومیت‌های کم‌شمار، هویت فرهنگی، زبان آسی، فدراسیون روسیه

۱. استادیار گروه زبان روسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

* نویسنده مسئول: shnabati@guilan.ac.ir

۲. دانشیار گروه زبان روسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

از مفهوم «هویت جامعه قومیتی»^۱، ویژگی‌های تکرارناپذیری و استقلال و رهایی از هر گونه وابستگی برمی‌آید که دربردارنده ماهیتی قومیتی است و از هر گونه تقلیدی به دور است و در آن دستاوردهای فرهنگی آشکارا نمایان است. از هویت قومیتی به‌عنوان «هسته فرهنگی» یاد می‌شود که از نظر جامعه‌شناسی در مفهوم «هویت فرهنگی» جای می‌گیرد. در ماده ۶۹ قانون اساسی فدراسیون روسیه که در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسیده است و جدیدترین اصلاحات آن مربوط به سال ۲۰۲۰ است، آمده است که: (۱) فدراسیون روسیه حقوق مردمان کم‌شمار محلی را بر اساس اصول و ترم‌های مورد پذیرش عموم در حقوق و قوانین بین‌المللی فدراسیون روسیه تامین می‌نماید. (۲) دولت از هویت فرهنگی تمامی مردمان و جوامع قومیتی فدراسیون روسیه حمایت می‌کند و از تنوع فرهنگی قومیتی و زبانی پاسبانی می‌کند. (۳) فدراسیون روسیه از حقوق و منافع و هویت فرهنگی هم‌میهنانی که در خارج از مرزهای روسیه به سر می‌برند، حمایت می‌کند

موضوع پژوهش پیش روی به روند انتقال «زبان گفتار / گویش‌های محلی» به «زبان نوشتار / زبان ادبی» آن گروه از مردمان و قومیت‌هایی که دارای شمار قلیل هستند، می‌پردازد. تنوع قومیت‌ها و ملیت‌ها از ویژگی‌های سرزمین‌های وسیعی چون اتحاد شوروی و فدراسیون روسیه است. پژوهش در دستاوردهای سیاست‌های مدیریتی و سیاست‌های زبانی به ویژه در مناطقی که جامعه زبانی ایشان در مرزهای جغرافیایی و در داخل دو و یا چند کشور قرار دارند، حائز اهمیت است. نمونه مورد مطالعه زبانی حاضر، تاریخچه به نوشتار درآمدن زبان آسی^۲ در اوستیای شمالی (فدراسیون روسیه) و اوستیای جنوبی (گرجستان) تحت تاثیر مسائل سیاسی، فرهنگی و زبانشناختی است. پرسش‌های این پژوهش عبارتند از چگونگی تاثیر بر ساخت زبان ملی بر ماهیت ادامه حیات دیگر زبان‌ها از جمله گویش‌های محلی؛ چگونگی تأثیر بالندگی و رشد زبان‌های محلی بر غرور ملی و وحدت ملی و حفظ تنوع فرهنگی در یک سرزمین؛ تفاوت تاثیر موقعیت جغرافیایی زبان‌های محلی درون کشور از آن دسته از زبان‌های محلی که در نقاط مرزی با ویژگی پراکندگی در دیگر کشورهای همسایه برخوردار هستند، چیست و

1. Идентичность этнической общности / Identity of an ethnic community

2. Осетинский язык / Ossetian language

پردازش چگونگی تاثیر سیاست دولت‌ها و گروه‌های فرهنگی اجتماعی بر گزینش الفبای نگارش آن زبان‌ها.

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بر اساس منابع و ادبیات منتشر شده به زبان روسی در تجربه عملی اتحاد شوروی و فدراسیون روسیه در خصوص سیاست زبانی و برنامه‌ریزی زبانی است. پاره‌ای از مواد مورد استفاده مربوط به مستندات و مدارک مصوب دولتی و حکومتی در حوزه سیاست زبانی و به ویژه حمایت از زبان‌های محلی است و غیر از آن، حاصل فعالیت‌های عملی محافی علمی و سیاسی در قالب برگزاری میزگرد و کنفرانس و مانند آن استفاده شده است. نوآوری پژوهش در استفاده از مواد زبانی مستندات و مدارک مصوبه‌ها و گردهمایی‌های علمی در حوزه سیاست زبانی و برنامه‌ریزی زبانی زبان‌های محلی / گویش‌های کم‌شمار در دولت‌های اتحاد شوروی و فدراسیون روسیه و نیز دستاوردهای آکادمی علوم شوروی و روسیه در راستای حمایت از تنوع زبانی و فرهنگی بر اساس تجربه یک کشور پهناور با قومیت‌های متنوع است. فرضیه پژوهش بر اهمیت نقش دولت‌مردان و سیاست‌مردان در این فرایند استوار است. سوال اصلی این مقاله آن است که سیاست‌های زبان ملی به چه صورت بر ادامه حیات سایر زبان‌ها و گویش‌های موجود در یک کشور مؤثر واقع خواهند شد؟ فرضیه طرح شده توسط نویسندگان تأکید می‌نماید که سیاست‌گذاری مبتنی بر نقش زبان ملی در هر کشوری می‌تواند انعکاس دوجهی بر بقا و رشد سایر زبان‌ها و گویش‌های رایج یک کشور برجای نهد.

پیشینه پژوهش

در حوزه ادبیات و منابع داخلی در خصوص سیاست زبانی مقالات محدود پژوهشی زیر با عنوان‌های «سیاست‌های زبانی و زبان‌های اقلیت: واکاوی جایگاه زبان‌های اقلیت در نظم فرهنگی - زبانی ایران مدرن (از ۱۲۲۱ ه. ش. تا به امروز)» (خالق‌پناه، سنائی، ۱۳۹۹)؛ «برساخت گفتمانی سیاست زبانی در روند نوسازی ایران. مورد مطالعه: نشریه کاوه (۱۲۹۴-۱۳۰۱)» (قریشی و دیگران، ۱۳۹۷)؛ «سیاست و برنامه یزی زبانی. رویکرد میان‌رشته‌ای مغفول در حوزه. سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی و آموزشی کشور»

(داوری، ۱۳۹۹)؛ « به سوی چارچوب سیاست زبانی ملی. زبان‌شناخت. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» (احمدی‌پور، ۱۳۹۰) یافت شدند که در مقایسه با آن، شمار منابع پژوهش‌ها و مصوبات مربوطه به زبان روسی بسیار فزون‌تر است. از دیدگاه خالق‌پناه و سنائی، «زبان فارسی» به‌عنوان یکی از دال‌های اصلی گفتمان سیاست فرهنگی و زبان‌های اقلیت به‌عنوان مسئله‌ای برای برساخت هویت ملی بازنمایی شده است» (خالق‌پناه، سنائی، ۹۱۳۹۹: ۶۷). سیر تاریخی سیاست زبانی در ایران بر انکار زبان‌های محلی در دولت مشروطه، سکوت مبتنی بر حذف در سلسله پهلوی و حذف ادغامی در قوانین و اسناد دولتی زبان‌های اقلیت‌ها پس از انقلاب اسلامی مبتنی بوده است (قریشی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۶-۱۲۵). قریشی و همکاران نیز تأکید داشته‌اند که در ایران تنها به زبان فارسی امکان رشد داده شده است و دیگر زبان‌ها از حوزه رسمی کنار گذاشته شده‌اند. در دوره پهلوی زبان فارسی در نقش زبان واحد بوده و سیاست تک‌زبانی شرط وحدت ملی در ایران دانسته می‌شده است (قریشی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۶-۱۲۵).

طبق پژوهش احمدی‌پور، تاکنون اقدامی در چارچوب سیاست زبانی در حفظ و پاسبانی از زبان اقلیت‌های قومی در ایران صورت نپذیرفته است و برنامه‌ریزی دولتی بر اساس گسترش و حفظ زبان فارسی به‌عنوان برساخت ملی بوده است. از نظر وی سیاست زبانی برپایه حمایت از تنوع زبانی و فرهنگی می‌تواند راه حل مسائل زبانی «در بافت متکثر فرهنگی - زبانی ایران باشد» (احمدی‌پور، ۱۳۹۰).

چگونگی ثبت زبان‌های قومیت‌های کم‌شمار، چگونگی روند تاریخی شکل‌گیری این ایده به صورت کلی و تجربه‌های موردی در فدراسیون روسیه موضوع کنفرانس «وضعیت کنونی و راهکارهای گسترش زبان‌های مردمان کم‌شمار شمال، سیبری و خاور دور فدراسیون روسیه» بوده است. این مجموعه تحت نظر معاون شورای فدرال مجمع فدرال فدراسیون روسیه، و.آ. اشتیرف^۱ - دکتری علوم تاریخ - تنظیم و منتشر شده است (Штыров, 2013). زینایدا ایوانوفا استروگالی‌شچیکووا^۲ در مقاله‌ای با عنوان «منشور اروپا درباره زبان‌های منطقه‌ای و زبان‌های قومیت‌های کم‌شمار به‌عنوان سازوکار مهم

1. Штыров В.А. / Shtyrov V.A.

2. Зинаида Ивановна Строгальщикова / Zinaida Ivanovna Strogalyshchikova

دفاع از زبان مردمان کم‌شمار روسیه» در کنفرانس «وضعیت کنونی و راهکارهای رشد مردمان کم‌شمار شمال، سیبری و خاور دور فدراسیون روسیه» به بررسی سیر تاریخی تصویب و اجرایی شدن اسناد، مدارک و مجوزهای لازم، موانع و دشواری‌های این مهم به منظور ثبت زبان قومیت‌های کم‌شمار می‌پردازد (Strogalytskova, 2013: 188-197).

همین طور مقاله‌ای مربوط به اجرای پروژه دولتی مورخ ۲۰۱۹/۰۵/۰۶ در خصوص کمک به انجام پژوهش کارشناسی و تحلیل با عنوان «تکمیل منابع قانونی در سیاست زبانی و سیاست آموزشی در بخش حمایت و پژوهش در زبان‌های مادری قومیت‌های فدراسیون روسیه» انجام گرفته است (Malytseva, Barsukova, Klyushnikova, 2019: 104-122).

نگارندگان مقاله «ارزیابی رتبه بندی فعالیت‌های مقامات نهادهای تشکیل دهنده فدراسیون روسیه برای حفظ و حمایت از زبان‌های بومی مردم فدراسیون روسیه» به بررسی موضوع حفظ و نگاهبانی زبان‌های محلی در ۸۵ منطقه از روسیه و رتبه‌بندی آن پرداخته‌اند. محدوده زمانی پژوهش مربوط به سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ است. در رتبه‌بندی ارائه شده، ایشان اهداف ذیل را دنبال می‌کنند: (۱) برجسته کردن و مشخص ساختن شاخص‌های کمیته‌ی و کیفی برای ارزیابی فعالیت سازمان‌های منطقه‌ای در حمایت از زبان‌های محلی و ایجاد امکانات آموزشی به زبان مادری؛ (۲) آماده‌سازی داده‌ها به منظور رتبه‌بندی مناطق فدراسیون روسیه از نظر شاخص‌های تامین اطلاعات سازماندهی پروژه؛ (۳) طبقه‌بندی مناطق بر اساس گونه‌ی زبان و موقعیت؛ (۴) رتبه‌بندی مناطق فدراسیون روسیه بر اساس شاخص‌های موضوعی داخلی؛ (۵) مشخص کردن مناطق پیشرو و مناطق حاشیه‌ای در هر گروه از طبقه‌بندی. در این ارزیابی رتبه‌بندی از روش تحلیل نتایج داده‌های آماری، روش تحلیل چندمتغیره، روش استانداردسازی داده‌ها، روش رتبه‌بندی و روش ارائه گرافیکی نتایج رتبه‌بندی استفاده شده است (Melytseva, Barsukova, Klyushnikova, 2019: 104-122).

کنفرانس «زبان‌های مردمان کم‌شمار روسیه: زبان شفاهی و کتبی. مجموعه چکیده‌های کنفرانس علمی بین‌المللی» که در سال ۲۰۱۷ در سن پترزبورگ برگزار

گردید نمونه‌ای از تجربیات و پژوهش‌های زبانشناسان در زبان‌های قوم‌های مختلف فدراسیون روسیه است (Головка Е.В. и др., 2017).

در مجموعه مقالات «اندازه‌گیری تنوع فرهنگی. وضعیت زبانی، سرشماری، آمارنگاری قومیتی میدانی» نویسندگان متعددی به بررسی موضوعات سیاست‌های زبانی در فدراسیون روسیه پرداخته‌اند. در این مجموعه، مقالات و نگاه‌های متعددی در «سیاست زبانی» آمده است: غنای زبانی روسیه در عرصه سیاست فدرال و ابتکارات منطقه‌ای (م. یومارتینوا)^۱؛ زبان روسی - زبان شهروندی (و.آ. تیشکوف، و.وستیانوف)^۲؛ حمایت از گوناگونی قومیتی فرهنگی و زبانی در عرصه نوین سیاست قومی (و.یو. زُرین، س.آ. آرشین)^۳؛ تخته رنگ زبانی و آموزش فرهنگی و قومی در منطقه پرم (آ.و. چیورنیخ، م.س. کامنسیخ)^۴؛ برخی تأملات در مورد زبانهای بومی، وضعیت زبانی و تاریخ (بر پایه نمونه زبان اودمورت) (آ.ی. زاگرین)^۵؛ تجربه سیاست زبانی در چواشستان: اکنون و پس از ۱۹۹۰ (ای.ای. بیکو، آ.پ. دال‌گووا، و.گ. خاریتنوا)^۶؛ جنبه‌های مبرم سیاست زبانی در قالمیقستان (ول. ولگین)^۷؛ وضعیت زبانی قومیتی در کاباردینو - بالکاریا (س.ای. آکی‌یوا)^۸؛ مسئله حفاظت از زبان نوقایی^۹ (د.ک. جومایوا)^{۱۰} و ... از آن جمله مقالات هستند (3: Мартынова, Степанов, 2019).

از اقدامات دولت فدراسیون روسیه برای حمایت از سیاست زبانی حمایت از زبان‌های محلی در فدراسیون روسیه برگزار می‌گردد و کنفرانس‌های تخصصی با حضور دولتمردان در دوامای دولتی به ریاست گ.ک. صفرعلیف^{۱۱} است که میزگردهای

1. Мартынова М.Ю. / M.U.Martynova
2. Тишков В.А., Степанов В.В. / Tishkov V.A., Stepanov V.V.
3. Зорин В.Ю., Орешин С.А. / Zorin V.Yu., Oreshin S.A.
4. Черных А.В., Каменских М.С. / Chornykh A.V., Kamenskikh M.S.
5. Загребин А.Е. / Zagrebin A.E.
6. Бойко И.И., Долгова А.П., Харитонов В.Г. / Boyko I.I., Dolgova A.P., Kharitonova V.G.
7. Волгин В.Л. / Volgin V.L.
8. Аккиева С.И. / Akkiewa S.I.

۹. زبان نوقایی از زبان‌های ترکی رایج در کشور روسیه است که در جنوب غرب روسیه و به ویژه در منطقه کاراچای-چرکسیا حدود نود هزار تن گویشور دارد. گویشوران این زبان از تیره‌های تاتار هستند و به این زبان که گونه‌ای از زبان‌های قیچاق به‌شمار می‌رود تکلم می‌کنند. خط مورد استفاده برای نگارش این زبان خطوط فارسی و سیریلیک است (<https://fa.wikipedia.org/wiki>).

10. Джумаева Д.К. / Dzhumaeva D.K.
11. Сафаралиев Г.К. / Safaraliev G.K.

«استراتژی سیاست ملی دولتی فدراسیون روسیه تا سال ۲۰۲۵: وظایف و دورنماها» (۵) دسامبر ۲۰۱۳) (Сафаралива, 2014, a) و «سیاست زبانی دولت: وضعیت و دورنما» (۲۸ نوامبر ۲۰۱۳) (Сафаралива, 2014, б) به ابتکار کمیتهٔ دومای دولتی در مسائل ملیتی از آن جمله‌اند. در این مجموعه سخنرانی‌ها در خصوص سیاست زبانی از دو جهت توجه و تاکید شده است: نخست سیاست زبانی حمایت از زبان روسی به‌عنوان ابزار زبانی ارتباط میان گویشوران زبان‌های مختلف با توجه به پهنای سرزمین فدراسیون روسیه و دیگر حمایت از زبان‌های محلی قومیت‌های مختلف در فدراسیون روسیه. در مورد دوم که موضوع پژوهش حاضر است در این مجموعه سخنرانی‌ها آمده است:

زبان هر ملتی پدیده‌ای منحصر به فرد است که به کمک نبوغ آن ملت شکل گرفته است و از بین رفتن آن تنها یک ضایعه است. ما همگی به خوبی درک می‌کنیم: بله، امروزه جهانیان زبان انگلیسی را به کار می‌برند و در روسیه از زبان روسی استفاده می‌شود. این زبان‌ها برای معاشرت میان مردمان ضروری هستند، لیکن نمی‌توانند و یارای آن را ندارند که فضای ادبی و هنری اندیشهٔ قومی ملیتی را بیان کنند. (...)

(А.К. Акимов^۱) (Сафаралива, 2014 a: 20)

(...) آنچه در روسیه و کشورهای مستقل مشترک المنافع - در دولت‌های شوروی سابق - در زمان اتحاد شوروی گرد آمد، دستاور ملی ما را شکل داد. تنوع فرهنگ‌ها و زبان‌ها را باید در فرایند هم‌سویی به کار بست و آن به تحکیم وحدت و یگانگی دولت چندملیتی ما کمک می‌کند. البته اگر که هدف ما ساخت دولت فدرال باشد و نه عکس آن..

البته در اینجا به درستی گفته شد و من نیز تایید می‌کنم که ساختار دولتی سازمان هماهنگ کنندهٔ واحدی لازم است. به نظر من در زمان وزارت امور ملیت‌ها اتفاقی شکل نگرفته است و آن به چه منتهی شد، همه می‌دانیم. اشتباهات و خطاهایی صورت گرفت اما تجربهٔ شورا در

1. АКИМОВ А.К. / Akimov A.K.

بسیاری کشورهای دیگر استفاده شد (یو.س. ایلینوا)^۱ (Сафаралива, 2014: 30).

تاکنون تحقیقات زیادی در حوزه سیاست زبانی در سایر مجموعه‌های سیاسی همچون اتحادیه اروپا که با این مسأله مواجه هستند، صورت گرفته است. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

ک.خ. ریکوش^۲ در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست زبانی در اروپا - بابل قرن بیستم» اعتقاد دارد که در دهه‌های اخیر، مطالب زیادی که در مورد گفتگوی فرهنگ‌ها می‌نویسند، تفاوت‌های بین فرهنگها که در زبان‌ها آشکار شده اند را نشان می‌دهند. این تفاوتها موضوع تحقیقات میان رشته‌ای به نظر می‌رسند. با این حال، نقش فعال بسیاری از زبان‌ها و تعامل آنها با حوزه‌های دانش مربوطه همیشه توجه لازم را به خود جلب نمی‌کند. به عقیده نویسنده، اروپا همراه با بسیاری از زبان‌ها در تلاش است تا از تک‌زبان بودن فاصله بگیرد و چندزبانگی را ترجیح می‌دهد و چشم‌انداز آن را می‌شناسد. اصول چندزبانگی در سطوح بین‌المللی (اروپایی) و ملی درک شده است و با اصلاحات کثرت‌زبانی^۳ و چندزبانگی^۴ رسمیت یافته است، اما زبان‌ها موقعیت‌های متفاوتی پیدا کرده‌اند. کثرت‌زبانی به استفاده از چندین زبان توسط یک شخص گفته می‌شود. این بخشی جدایی‌ناپذیر از تنوع فرهنگی و پیش‌نیازی برای رشد یک فرد هم به‌عنوان یک فرد حرفه‌ای و هم به‌عنوان یک شخصیت است. اصطلاح چندزبانگی به سیاست برابری زبانها در جامعه اشاره دارد. اتحادیه اروپا یک سازمان چندزبانه است. سیاست زبانی اتحادیه اروپا از زمان تأسیس اتحادیه تعریف شده است، این سیاست با سیاست زبانی سایر سازمان‌های بین‌المللی متفاوت بوده و براساس اصل تنوع فرهنگی و زبانی به منظور امکان دسترسی به اطلاعات و عدالت برای همه شهروندان اتحادیه اروپا به تمام زبان‌های رسمی اتحادیه اروپا پایه‌گذاری شده بود. سیاست زبانی که در اروپا دنبال می‌شود به نهادینه شدن مفهوم «چندزبانگی» منجر شده است که می‌تواند در خدمت توسعه حق زبانی باشد. سیاست زبانی اتحادیه اروپا با وظایف حق ادغام مرتبط است، از



1. Ильинова Ю.С. / Ilyanova Yu.S.
2. Рекош К.Х. / Rekosh K.H.
3. Плурилингвизм / Plurilinguism
4. Мультилингвизм / Multilinguism

این جهت با کثرت زبانی تفاوت دارد و به‌عنوان وسیله‌ای برای گفت و گوی بین فرهنگی و انسجام اجتماعی، به‌عنوان تضمینی برای رفاه و آسایش و فرصت شغلی عمل می‌کند. در عین حال، سیاست زبانی مشکلات حقوقی زبانی زیادی در ارتباط با تفاوت بین چندین وضعیت زبان‌ها از قبیل زبان رسمی اتحادیه اروپا، زبان کار، زبان دولتی، زبان منطقه ای و زبان اقلیت های ملی و زبان مهاجران ایجاد می‌کند. (Рекош, 2014, c. 224)

ن.ن. تروشینا^۱ در مقاله ای با عنوان «زبان آلمانی در اروپای معاصر» اعتقاد دارد که وضعیت زبانی در مناطق آلمانی زبان اروپا ناشی از عملکرد عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی است. برای بررسی این مسئله از دیدگاه زبانشناسی اجتماعی، مهم است که ویژگی‌های زبان آلمانی را به‌عنوان چند مرکزی^۲ در نظر بگیریم. یعنی به‌عنوان یک زبان رسمی در بیش از یک کشور (یک منطقه) استفاده می‌شود و در هر یک از آن کشورها (منطقه‌ها) نُرْم ادبی مدون ملی خاص خود را دارد. در شرایط امروزی همکاری های بین المللی، زبان آلمانی به طور فعال با سایر زبان های اروپایی، در درجه اول با انگلیسی، تعامل دارد. ضروری است که آلمانی و انگلیسی هر دو زبانهای قدرتمند ارتباطی باشند، «یعنی زبان های توسعه یافته با رتبه ارتباطی بالا و تعداد قابل توجهی گویشوران، دارای سنت نوشتاری طولانی و عملکرد در کشورهای اروپایی توسعه یافته از لحاظ اقتصادی و فرهنگی» (Кирилина, 2015, c. 77). به عقیده نویسنده، وضعیت زبانی در روسیه از نظر تقاضا برای زبان آلمانی به‌عنوان یک زبان خارجی از بسیاری جهات مشابه وضعیت سایر کشورهای اروپایی است، جایی که در وهله اول، زبان انگلیسی نیز مورد تقاضا است. با این حال، دقیقاً به دلیل رواج آن در حوزه های مختلف ارتباطی، زبان انگلیسی دیگر معیار کافی برای ارتباطات حرفه‌ای نیست که منبعی برای تقویت موقعیت‌های زبان آلمانی است. بنابراین، نباید از اعتقاد معلمان آلمانی در دانشگاه‌های روسیه تعجب کرد که امروزه تقریباً همه انگلیسی صحبت می‌کنند و مردم کمتر آلمانی می‌دانند. (Трощина, 2015, c. 102)

1. Трощина Н.Н. / Troshina N.N.
2. Plurizentrische Sprache

ت.آ. سوبچنکو^۱ در پژوهشی با عنوان «سیاست زبانی در اسپانیای معاصر» اذعان می‌کند که امروزه، پس از گذشت بیش از ۳۵ سال از تصویب قانون اساسی اسپانیا در سال ۱۹۷۸، وضعیت زبانی و سیاست زبانی در اسپانیا آشکارا دستخوش تغییرات چشمگیری شده است. قانون اصلی کشور رسماً اسپانیا را به عنوان دولتی تعیین کرد که در قلمرو آن چندین زبان به طور رسمی استفاده می‌شود و در چارچوب یک مفهوم زبانی خاص "دو زبانی سرزمینی" تعامل دارند. به عبارت دیگر، زبان‌هایی غیر از اسپانیایی در مناطقی که در آن صحبت می‌شود رسمی شناخته می‌شوند و به دولت‌های این مناطق اختیارات کامل برای تعریف و توسعه سیاست‌های زبانی در این مناطق داده شده است. در دنیای مدرن، چنین وضعیتی اغلب اتفاق می‌افتد، حداقل ۴۰٪ از جمعیت جهان به یک روش یا روش دیگر از چندین زبان در زندگی روزمره خود استفاده می‌کنند، یا حداقل در مناطقی زندگی می‌کنند که چندین زبان به طور فعال استفاده می‌شود. اما در قانون اساسی اسپانیا در سال ۱۹۷۸، برای اولین بار، توجیه قانونی برای توانایی دولت‌های منطقه‌ای محلی برای ایجاد و توسعه سیاست زبانی خود، تا استفاده از زبان‌های مستقل خود، غیر از زبان ایالتی، ارائه شد. بهینه‌ترین و مؤثرترین سیاست ممکن است به رسمیت شناختن نهایی تنوع زبانی اسپانیا و ادغام همه زبان‌های رسمی منطقه‌ای در تمام نهادهای دولتی، همراه با زبان اسپانیایی دولتی باشد.

با انتخاب چنین سیاست ادغام، دولت قادر خواهد بود یک سیاست زبانی معقول و محترمانه در رابطه با همه زبان‌های اسپانیا ایجاد کند. دولت نباید به افراد یا گروه‌های خاصی اجازه دهد که سیاست زبانی را دیکته کنند و آینده یک زبان خاص را تعیین کنند. ایجاد یک مدل زبانی که حقوق زبانی همه شهروندان کشور را در نظر گرفته و رعایت کند، ضروری است. این تنها راه تضمین کامل رعایت حقوق زبان‌ها و همچنین نمایندگی کامل مردمی است که به آنها صحبت می‌کنند. چالش اصلی امروز تغییر نگرش نسبت به تنوع زبانی در کشور است. باید به این نتیجه رسید که چندزبانی و ویژگی مثبت هر کشوری است که با توانایی آن در پذیرش تفاوت‌ها و توانایی آشتی دادن آنها همراه است. (Собченко, 2016, с. 53-54)

1. Собченко Т.А. / Sobchenko T.A

چارچوب نظری پژوهش

موضوع زبان‌های محلی و آموزش آنها امروزه از توجه خاصی میان جوامع جهانی برخوردار است. این توجه منجر به مصوبات دولتی و تدوین قوانین در حمایت از زبان‌ها و فرهنگ‌های قومیت‌ها گردیده است.

الگوی نقشی سیاست زبانی عبارت است از تعیین نقش زبان‌ها و گونه‌های آن زبان‌ها از سوی دولت‌ها و یا گروه‌های اجتماعی و فرهنگی به‌ویژه در کشورهایی که از تنوع قومیتی برخوردارند. از همین روی، ساخت الگوی سیاست زبانی را ترکیب قومیتی ساکنین، روش‌های توزیع جوامع قومیتی مختلف، وفاداری اخلاقی ایشان به زبان مادری، ارزش‌ها و بسیاری عوامل اجتماعی دیگر مشخص می‌کند.

فدراسیون روسیه دارای الگوی چند مؤلفه‌ای سیاست زبانی است که در آن در سراسر کشور زبان روسی نقش زبان رسمی را دارد و در جمهوری‌ها، نقش تکمیلی بر عهده زبان‌های دولتی محلی است. امروزه در فدراسیون روسیه، الگوی سیاست زبانی تلفیقی است دموکراتیک از یک زبان قابل استفاده برای تمامی کشور (زبان روسی) و به‌کارگیری زبان‌های منطقه‌ای در مناطق مرتبط با همان زبان. سیاست‌های زبانی منطقه‌ای در فدراسیون روسیه در طبقه‌بندی‌های ذیل ارائه شده است: (۱) الگوی تک‌مؤلفه‌ای سیاست زبانی: سیاست زبانی همراه با صورت‌های مختلف موجودیت زبان روسی؛ (۲) الگوی دو مؤلفه‌ای سیاست زبانی: سیاست زبانی همراه با دو زبان تأثیرگذار (زبان روسی + زبان دولتی جمهوری)؛ (۳) الگوی سه مؤلفه‌ای سیاست زبانی: سیاست زبانی با سه زبان تأثیرگذار (زبان روسی + دو زبان دولتی جمهوری)؛ (۴) الگوی چند مؤلفه‌ای سیاست زبانی: سیاست زبانی همراه با چهار یا پنج یا شمار بیشتر زبان تأثیرگذار (زبان روسی + زبان‌های داغستان)؛ (۵) الگوی دیفرانسیل سیاست زبانی: سیاست زبانی در زمینه عملکرد زبان‌های مردمان کم‌شمار (Mихальченко, 2014: 24-29).

«سیاست زبانی» و جایگاه آن در سیاست‌های ملی

اصطلاح «سیاست زبانی» پدیده‌ای نو و میان رشته‌ای در «زبان‌شناسی»، «علوم اجتماعی» و «علوم سیاسی» است. حمایت و حفظ و تداوم گویش‌های محلی به‌عنوان یک پدیده

اجتماعی و یک ویژگی منحصر بفرد فرهنگی بر پایه علم زبان‌شناسی صورت می‌گیرد و راهبردهای مدیریتی و برنامه‌ریزی آن عموماً بر پایه سیاست‌گذاری‌های دولتی قرار دارد. سیاست‌های زبانی موجب شکل‌گیری مکانیزم‌های مختلفی نسبت به زبان‌های محلی کم‌شمار و نابرابری میان گویشوران زبان‌های مختلف درونی می‌شود. وحدت زبانی اساس سیاست زبانی را می‌سازد که دیگر معانی حول آن جای می‌گیرد و از این راه تبیینی برای نحوه هژمونیک شدن سیاست زبانی یکسان‌ساز ارائه می‌شود (قریشی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۰).

امروزه تنوع زبانی و فرهنگی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌ها در اتحادیه اروپا شناخته می‌شود که در تدوین مواد کتاب‌های درسی زبان‌های خارجی بدان توجه ویژه می‌شود. پذیرش «اصل چند زبانی»^۱ شرایط انتقال از «الگوی ملی» به «الگوی چندفرهنگی» را فراهم آورده است. در سال ۲۰۰۲ شورای بارسلونا الگوی «زبان مادری + ۲» را به‌عنوان هدف سیاست زبانی پیشنهاد کرده است که آن در معنای تسلط داشتن همزمان به یک زبان مادری و دو زبان خارجی است که برای شهروندان اتحادیه اروپا اهمیت یافته است. در این استراتژی زبانی هر کشور می‌تواند به‌طور مستقل ایده‌های چندزبانی متفاوتی را به کار بندد (Сюткина, 2014: 29).

«سیاست زبانی» عبارت است از تئوری و عملکرد تأثیر منطقی بر فرایند توسعه روابط زبان در مدیریت هدفمند در متن اجتماعی ایجاد و شکل‌گیری و تکامل تکنولوژی‌های نوآورانه و ابزارهای زبانی در همکاری (Мельцева, Барсукова, Ключникова, 2019: 106). «سیاست زبانی» در هر کشور و سرزمینی متفاوت از سرزمین دیگر است. در وهله نخست سیاست زبانی را دولت و سیاست‌مداران مشخص می‌کنند و ایشان هستند که برتری و سبقت یک زبان بر زبان و یا گویش‌های دیگر را تعیین می‌کنند. حتی اگر دولتمردان و حکمرانان بر این موضوع مهم بی‌توجه عمل کنند، چنین سیاستی از محل زبان مورد استفاده در نظام آموزشی و مطبوعات و رسانه‌های عمومی انجام می‌گیرد. عوامل اقتصادی در یک جامعه نیز در تعیین زبان ارتباطی تعیین‌کننده هستند (Алпатов, 2013: 9).

1. Принцип многоязычия / The principle of multilingualism

وای. بلیکوف و ل.پ. کریسین^۱ «سیاست زبانی» را با اقدامات عملی دولت برابر دانسته‌اند که آن مربوط به موقعیت زبان دولتی، نقش‌های آن، حمایت از کاربرد آن در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، مقررات به کارگیری زبان‌های محلی است و ابزار اصلی و مهم سیاست زبانی و قانون‌گذاری در خصوص زبان است (Беликов, Крысин, 2001: 263). چنین درک و تفسیری از «سیاست زبانی» نشانگر آن است که هر گونه تصمیم‌گیری غیرمغرضانه و دور از تحکم از سوی دولت که در جهت منافع ملی قومیت‌ها باشد، برای جهت‌گیری و یا در زمینه به کارگیری یک و یا چند زبان نقش مهمی ایفا می‌کند.

از نظر آ.د. شویتسر^۲، «سیاست زبانی» مجموعه‌ای از اقدامات دولت، احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی به منظور تغییر و حفظ و پاسداری از زبان‌ها و قوانین زبان‌شناسی مورد استفاده است (Швейцер, 1978: 117). مفاهیم کلیدی در این تعریف مربوط به دو واژه «تغییر» و «حفظ و پاسبانی» است.

آنچه قابل توجه است، از نظر وی، «سیاست زبانی» تنها شامل حفظ وضعیت موجود یک زبان نیست، بلکه تغییر فرایند رشد یک زبان در زمان و جامعه است و آن عبارت است از احیاء ویژگی‌های ملیتی و ساخت واژگان نو. چنین توصیفی از «سیاست زبانی» به معنای «برنامه‌ریزی زبانی»^۳ در ادبیات زبان‌شناسی اجتماعی است (Гулинов, 2011: 8).

سیاست زبانی لازم است که از لحاظ قانونی از سوی تمامی ملیت‌های درون یک سرزمین به رسمیت شمرده شود، در غیر این صورت تضمینی برای اجرای آن در عمل نخواهد بود و از حمایت و همراهی جامعه مدنی برخوردار نخواهد گشت. در تدوین سند سیاست زبانی توجه به دو عامل تأثیرگذار حائز اهمیت است و آن عبارت است از «واقع‌بینی» و «مشارکت». مقصود از «واقع‌بینی» توجه به ویژگی‌ها، واقعیت‌ها، نیازها و امکانات واقعی جامعه است؛ و مقصود از «مشارکت» ضرورت توجه به نیازها، علائق و نگرش قومیت‌ها است (داوری، ۱۳۹۹: ۲۸-۲۷). بنابراین سیاست زبانی لازم است بر

1. Беликов В.И., Крысин Л.П. / Belikov V.I., Krysin L.P.

2. Швейцер А.Д. / Schweitzer A.D.

3. Языковое планирование / Language planning



پایه هم‌سویی اقوام یک سرزمین باشد؛ به دور از زورگویی و تحکم سیاسی قدرت مرکزی بوده و در آن برساخت‌های زبان ملی مانعی بر رشد و بالندگی زبان‌های محلی نباشد؛ احترام به قومیت‌ها از سوی سیاست‌گذاران از محل احترام به زبان، فرهنگ و اندیشه ایشان محقق می‌شود و همه این مفاهیم در کنار یکدیگر موجب حفظ و ادامه حیات فرهنگ‌های کم‌شمار می‌شود.

از راهکارهای حفظ و تداوم بخشیدن به حیات زبان‌ها و گویش‌های محلی و کم‌شمار فراهم آوردن شرایط آموزش آنها در مکان جغرافیایی گویشوران آن است. برای محقق شدن طرح آموزش زبان‌های محلی، پژوهش‌های زبانشناختی پیش‌شرط غالب است، به عبارتی لازم است تا مقدمات پایه‌ای زبانشناختی بر مسائل آواشناختی، دستور زبان و واژگان صورت گیرد تا راهکارهای آموزش دانشگاهی آن زبان در مدارس و موسسات آموزش عالی میسر شود. با توجه به اهداف رتبه‌بندی و روش گردآوری، پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها در خصوص سیاست زبانی و موضوع آموزش، عوامل زیر از اهمیت برخوردارند: (۱) ابزارهای موجود برای اجرای سیاست ملی در جهت حفظ زبان‌های محلی؛ (۲) حفظ و حمایت از زبان‌های محلی به کمک پژوهش‌های زبانی با هدف آموزش؛ (۳) حفظ حمایت از زبان‌های محلی به کمک ابزار فرهنگ و هنر در میان اقوام؛ (۴) حفظ و حمایت از زبان‌های محلی به کمک راهکار استفاده در رسانه‌های عمومی (Mельцева, Барсукова, Ключникова, 2019: 108).

«سیاست زبانی» در فدراسیون روسیه
سیاست زبانی اصلی فدراسیون روسیه در قانون اساسی فدراسیون روسیه قابل مشاهده است. در ماده ۲۶ آمده است: «هر فردی از حق استفاده از زبان مادری، برگزیدن آزادانه زبان معاشرت، تربیت و پرورش و آموزش و هنر و ادبیات برخوردار است.» قانون اساسی فدراسیون روسیه مخالف تبلیغات برتری اجتماعی، ملی، مذهبی و زبانی است (ماده ۲۹، بند ۲)؛

حمایت از حق تحصیل (ماده ۴۳)، شرکت در برنامه‌های فرهنگی و برخورداری از امکانات مؤسسات فرهنگی به منظور حفظ میراث تاریخی و فرهنگی خویش (ماده ۴۴)؛

در ماده ۶۸ آمده است «۱) زبان دولتی فدراسیون روسیه در سراسر آن سرزمین روسی است. ۲) جمهوری‌ها از حق به کارگیری زبان دولتی خود برخوردار هستند؛ در سازمان‌های دولتی و محلی ایشان می‌توانند از زبان مادری خود و زبان روسی - هر دو - استفاده کنند؛ ۳) فدراسیون روسیه برای تمام مردمان خود حق حفظ و پاسبانی از زبان مادری و فراهم آوردن شرایط پژوهش و بالندگی آن را محترم می‌شمارد» (Конституция РФ, 2020).

تعداد زبان‌های موجود در روسیه بیش از ۱۰۰ زبان است. گسترش زبان روسی در روسیه از همه زبان‌های قومی دیگر بیشتر است. اکنون در روسیه کمتر منطقه‌ای وجود دارد که جمعیت روسی نداشته باشد. بدون شک، زبان اقلیت‌های قومی روسیه یکسان نیست. زبان آسی علاوه بر زبان روسی، از زبانهای قابل استفاده در اوستای شمالی به حساب می‌آید. تاریخچه سیاست زبانی اوستیای شمالی به دوران پس از اتحاد شوروی باز می‌گردد. تا پیش از پسا شوروی تنها کارهایی که بر روی زبان آسی صورت گرفته بود، مربوط می‌شد به تأسیس مطبوعات ملی (به زبان آسی)، ترجمه آثار کلاسیک جهانی و روسی به زبان آسی، انتشار آثار دراماتورگ آسی و ادبیات آموزشی و علمی در زبان آسی. نخستین سند رسمی که از سوی رئیس جمهوری اوستیای شمالی در خصوص «سیاست زبانی» مورد تصویب قرار گرفت، «بیانیه حق حاکمیت دولتی جمهوری سوسیالیستی شوروی خودمختار اوستیای شمالی» مورخ ۲۰ ژوئن ۱۹۹۰ است که در بند ۷ آن آمده است: «زبان‌های آسی و روسی زبان‌های دولتی جمهوری خودمختار اتحاد شوروی - اوستیای شمالی به حساب می‌آیند. برتری و یا محدودیتی در به کارگیری این زبان‌ها مجاز نیست». در ماده ۸ مشخص شده است: «گروه‌های ملیتی که در سرزمین جمهوری خودمختار شوروی - اوستیای شمالی به سر می‌برند از حقوق قانونی، سیاسی، اقتصادی، قومیتی و فرهنگی برخوردار هستند» (Комболов, 2007).

سند بعدی که در مورد وضعیت سیاست زبانی است مربوط به ۷ دسامبر ۱۹۹۴ می‌شود. در ماده ۱۵ قانون اساسی آمده است: «۱) زبان‌های دولتی جمهوری اوستیای شمالی - آلائی، آسی و روسی هستند. ۲) زبان آسی (گویش‌های ایرونی^۱ و دیگوری^۲)

1. Иронский диалект / Iron dialect
2. Дигорский диалект / Digor dialect

هویت ملی مردم اوستیا را می‌سازد. حفظ و گسترش زبان آسی وظیفه مهم سازمان‌های دولتی در جمهوری اوستیای شمالی - آلمانیا است. ۳) در جمهوری اوستیای شمالی - آلمانیا، مردمانی که در آن سرزمین به سر می‌برند از حق پاسداری از زبان مادری و ایجاد شرایط پژوهش در آن برخوردار هستند» (Конституция РФ, 2020).

نتیجه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، افت اقتصادی، صنعت حمل و نقل و ساختارهای اجتماعی و زیر ساخت‌ها بود که منجر به مهاجرت چشمگیر ساکنین شمالگان^۱ گشت. دلیل اصلی خروج ساکنین منطقه شمالگان روسیه در سال‌های ۹۰ و قرن بیستم به تغییر نقش حکومت در اقتصاد و از بین رفتن پروژه‌های عظیم در شمال، سیبری و خاور دور بوده است. از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۱ شمار جمعیت شمال روسیه از رقم ۹۸۰۷ هزار نفر به ۷۹۶۷ هزار نفر رسید، به عبارتی میزان کاهش در سرزمین‌های شمالی ۱ میلیون و ۸۴۰ هزار نفر بوده است. تعادل منفی در تبادل مهاجرت از سرزمین‌های شمالی از مناطق مرکزی و جنوبی روسیه با شدت کمتری تا به امروز ادامه یافته است. در سال ۲۰۰۷ برادر سیاست حکومت در ارتباط با شمالگان تغییر یافت. طی سالیان اخیر چندین سند مهم در جهت جلوگیری از مهاجرت قومیت‌ها از جمله: استراتژی گسترش شمالگان فدراسیون روسیه و تامین امنیت ملی تا سال ۲۰۲۰، برنامه دولت با عنوان «رشد اجتماعی و اقتصادی شمالگان فدراسیون روسیه تا سال ۲۰۲۰»، تشکیل کمیسیون دولتی در مسائل رشد شمالگان تصویب شده است (Шапаров, 2015: 102).

اجرای سیاست قومیتی دولت طی سالیان آغازین حکومت اتحاد جماهیر شوروی با مشکلاتی مواجه بود: در مجموع تنها ۱۹ زبان نوشتاری از قومیت‌های غیرروس دارای نظام الفبایی بود. گسترش آن زبان‌ها، شامل صورت نوشتاری، تدوین اصطلاحات و قوانین دستوری و فرهنگ مردم، یکی از مهم‌ترین عملکردهای مقامات دولتی بود که نتیجه آن عظیم بود: در دهه ۳۰، برای شمار ۷۱ گویش، الفبای نوشتاری تدوین گردید (Павловский, 2019: 43).

۱. «شمالگان» / «قطب شمال» شامل مناطقی است که به اقیانوس منجمد شمالی دسترسی دارند و «شمال» شامل مناطق وسیع‌تری با آب و هوای سخت می‌شود (Шапаров, 2015: 103).

دشواری شکل‌گیری و اجرای سیاست قومیتی در روسیه در ارتباط با اقوام کم‌شمار موضوعی بسیار مبرم است که نیازمند تدوین قانون و برنامه‌های فدرال در جهت گسترش و دفاع از حقوق این قوانین است. این موضوع اصل و پایه سیاست ملی نسبت به اقوام کم‌شمار در سرزمین روسیه را می‌سازد و در آن لازم است به مواردی چون حق تشکیل سازمان‌های مختلف قومیتی بر اساس سنت‌های ملی، تاریخی و فرهنگی با هدف رشد اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی قومیت‌های کم‌شمار، دفاع از محیط زیست ایشان، سنت‌ها و سبک و سیاق زندگی، فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی، حق ایجاد بنیادهای کمک‌های مالی از قومیت‌های کم‌شمار و نیز سازماندهی مراکز فرهنگی، واحدهای اجتماعی و خودمختاری فرهنگی و ملیتی، حق دریافت اطلاعات به زبان‌های قومیت‌های کم‌شمار و نیز سازماندهی رسانه‌ها به آن زبان‌ها، حق حفظ سنت‌ها و برگزاری مراسم مذهبی که با قوانین فدراسیون روسیه در تناقض نباشد، توجه کرد. چنین ضرورتی در پایان حکومت شوروی به سبب فعال‌گشتن خودآگاهی قومیتی و ملیتی منجر به ایجاد «اتحادیه قومیت‌های کم‌شمار شمال، سبیری و خاور دور»^۱ گردید. این اتحادیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی به کار خود ادامه داد (Дюпин, 2019: 114-115).

سیاست زبانی در فدراسیون روسیه مبتنی بر ویژگی مرکزیت بخشی است که به موقعیت زبان روسی به عنوان زبان دولتی مربوط می‌شود. این وضعیت موجب پیدایش پدیده «دوزبانگی»^۲ و برابری زبان‌ها در روسیه امروزی است. این سیاست زبانی الگوهای دوزبانی و چندزبانی را شکل داده است و تنوع زبانی بالایی را موجب شده است. بی‌تردید مناسب‌ترین شرایط برای حفظ و پاسبانی از زبان‌های قومیت‌ها، محیط زیستی جماعتی از آن قوم است که در آن فعالیت‌های اجتماعی به میزان کافی در عرصه‌هایی چون آموزش، علم، فرهنگ و ادبیات، هنر، رسانه‌های اجتماعی و اینترنت صورت پذیرد (Мельцева, Барсукова, Ключникова, 2019: 106). از این روی، در قانون اساسی فدراسیون روسیه در دفاع از منافع ملیت‌های مختلف فدراسیون روسیه مفادی مبنی بر برابری قومیت‌ها در فدراسیون روسیه (ماده ۵)، ممنوعیت هر نوع محدودیت حقوق

1. Ассоциация коренных, малочисленных народов Севера, Сибири и Дальнего Востока Российской Федерации (АКМНССиДВ) / literally 'Association of Indigenous, Small-Numbered Peoples of the North, Siberia and Far East of the Russian Federation'
2. Билингвизм / bilingualism

شهروندان بر مبنای ملیت، زبان و مذهب (ماده ۱۹)، حمایت از حقوق اقلیت‌های ملیتی (ماده‌های ۷۱ و ۷۲) و قومیت‌های کم‌شمار (ماده ۶۹) پیش بینی شده است (Павловский, 2019: 3).

سازمان‌های اجتماعی روسیه که در پی منافع قومیت‌های کم‌شمار هستند، در قطعنامه‌ها و مصوبات خود به دفعات در کنفرانس‌های علمی بر ضرورت تصویب منشور اروپا درباره زبان‌های منطقه‌ای و یا زبان‌های مردمان کم‌شمار تاکید داشته‌اند. از این راه کوشیده‌اند بر اهمیت نقش سازمان‌های حکومتی در حمایت از وضعیت زبان‌های منطقه‌ای تاکید کنند. موارد مرتبط به تصویب «شورای فدرال مجمع فدرال»^۱ رسیده است. در توصیه‌های جلسات مجلس شورای فدرال در فوریه ۲۰۰۷ آمده است که دولت روسیه لازم است کار آماده‌سازی تصویب منشور اروپا درباره زبان‌های منطقه‌ای و زبان‌های قومیت‌های کم‌شمار را تسریع نماید (Строгальщикова, 2013: 188).

برنامه شورای اروپا و اتحادیه اروپا با عنوان «قومیت‌های ملیتی / محلی در روسیه: گسترش زبان‌ها، فرهنگ، رسانه و انجمن شهروندی»^۲ در مدت سه سال (۲۰۱۱-۲۰۰۹) در فدراسیون روسیه به انجام رسید (Строгальщикова, 2013: 189).

قومیت‌های کم‌شمار در فدراسیون روسیه

در فهرست قومیت‌های کم‌شمار فدراسیون روسیه، ۴۷ قوم کم‌شمار مشخص شده است که در سرزمین‌های سنتی اجداد خویش به سر می‌برند و شیوه سنتی زندگی خود و نیز کشاورزی و صنعت خود را حفظ کرده‌اند. شرط لازم برای به رسمیت شناخته شدن اقوام کم‌شمار در فدراسیون روسیه، جوامعی هستند که حداقل دارای ۵۰ هزار نفر گویشور در روسیه باشند (Штыров, 2013: 8).

از ویژگی قومیت‌های محلی (۱) ارتباط تاریخی (تداوم) با قلمرو محل سکونت کنونی ایشان، (۲) استقرار در آن مکان، (۳) خودآگاهی نسبت به قومیت خویش، (۴) داشتن زبان، فرهنگ و سنت‌های مشخص در میان آن قوم و دیگر ویژگی‌های اقتصادی،

1. Совет Федерации Федерального Собрания Российской Федерации / Federation Council of the Federal Assembly of the Russian Federation

2. Национальные меньшинства в России: развитие языков, культуры, СМИ и гражданского общества / National minorities in Russia: Developing Languages, Culture, Media and Civil society

اجتماعی و سیاسی؛ ۵) تمایل به حفظ سرزمین و هویت قومی به‌عنوان پایه‌ای برای ادامه حیات به‌عنوان یک ملت است (Шапаров, 2015: 108).

حفظ شان و منزلت زبان‌های مادری لازم است در دستور کار سیاست زبانی و برنامه‌ریزی زبانی هر کشوری قرار گیرد چرا که زبان‌های محلی بیانگر فرهنگ، ادبیات و هنر و اندیشه تنوع قومی هر ملت هستند. کمک به ادامه حیات این زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی راهکار عملی رسیدن به وحدت ملی در کشورهای چندقومیتی است (احمدی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۲).

میان زبان‌شناسان دو نظریه متفاوت غالب است: برخی بر این باورند که وجود صورت نوشتاری فاکتوری ارزشمند برای هر زبان است و برخی دیگر معتقدند که استانداردهای سازی زبان منجر به نابودی غنای گویش‌ها می‌شود. گویشوران زبان‌های بدون صورت نوشتاری سبب اصلی آسیب به زبان خویش را نه در انتقال آن زبان، بلکه در نبود نظام تدریس در مدارس می‌دانند (Агранат, 2017: 5-6).

نگارندگان مقاله حاضر بر این باور هستند که یافتن فرم نوشتاری برای هر زبان و گویشی مفید است و موجب پویایی در فرهنگ و ادبیات و اندیشه آن مردمان می‌شود. آنچه در میان قوم‌های محلی از آن به ادبیات فولکلور یاد می‌شود، خود می‌تواند مبنای پایه شکل‌گیری ادبیات فاخر در میان اندیشمندان و ادبای آن قوم شود. دیرکرد تدوین الفبا برای ثبت زبان‌ها و گویش‌های محلی، تاخیر در تدوین و گردآوری ادبیات عامه را در پی دارد که خود نیز مانعی بر سر راه رشد ادبی قومیت‌ها می‌شود.

فرایند شکل‌گیری صورت نوشتار برای گویش‌های مختلف درون یک جغرافیای سیاسی، پدیده‌ای نو در زبان‌شناسی به شمار می‌آید. فقدان زبان نوشتاری مردم را در برابر تأثیرات بیرونی فرهنگی آسیب پذیرتر می‌کند که این امر در مورد گویشوران محدود در یک سرزمین می‌تواند تهدیدی برای همگون‌سازی زبانی، فرهنگی و قومی باشد (Досакаев, 2002: 47).

نقش نویسندگان و فعالان اجتماعی در حمایت از گویش‌ها می‌تواند بسیار سازنده و تاثیر گذار باشد. در این فرآیند تحلیل مقابله‌ای زبان مادری (گویش بدون صورت

نوشتاری) و زبان رسمی بر شکل‌گیری شخصیت دو زبانه تاثیر فراوانی دارد (Моуравова, 2015).

زبان دربردارنده غنای فرهنگی گویشوران خود و نشانگر خودویژگی و اصالت اندیشه ایشان است. با حمایت از زبان مادری ملیت‌های مختلف بشریت می‌توان به تاریخچه اندیشه و چگونگی اندیشه نزد آن مردمان رسید. نقش مهم در این میان بر عهده فعالان اجتماعی، نویسندگان و روشنفکران هر جامعه گویشور زبانی است.

همانگونه که گفته شد، از تاثیرات مهم و قابل توجه ثبت زبان‌ها و گویش‌های محلی کمک به ثبت و گردآوری ادبیات فولکلور قومیت‌های مختلف فرهنگی است. «ادبیات عامه تا حدود یک قرن پیش به صورت مکتوب در نیامده بود. در سراسر تاریخ جهان تا سده ۱۹ میلادی به این قبیل آثار که تراویده ذوق عامه مردم بود، اعتنا نمی‌شد و دانشمندان در این گونه آثار به چشم حقارت می‌نگریستند. جمع‌آوری و مطالعه درباره این آثار از دوره رمانتیک آغاز شد. در آغاز سده ۱۹ میلادی نخست دو برادر آلمانی به نام گریم قصه‌های کشورهای اروپای شمالی را جمع‌آوری کردند.» (آلیانی، رضایتی کیشه خاله، چراغی، ۱۳۹۹: ۶).

گردآوری و ثبت ادبیات فولکلور مردمان و اقوام اتحاد شوروی و فدراسیون روسیه از اهم‌های دستاوردهای فرهنگی آکادمی علوم شوروی و آکادمی علوم روسیه است که توجه جهانیان به ویژه ایرانیان را در بخش شرق‌شناسی^۱ و ایران‌شناسی^۲ به خود جلب کرده است. در خصوص موضوع پژوهش پیش‌روی، گفتنی است که تدوین القبای آسی پایه‌ای گردید برای گردآوری و ثبت روایت‌های افسانه‌های پیدایش قوم نارت (آلان‌ها / اوست‌ها) از آغاز تا به نابودی. اسطوره حماسی نارت‌ها نزد اوست‌ها چون شاهنامه فردوسی ارزشمند و گرانقدر به شمار می‌آید و آن، مایه غرور ملی ایشان است. تفاوت ساختار زبانی «نارت‌نامه» و «شاهنامه» به سخن استاد میرجلال‌الدین کزازی در آن است که گوینده اولی مردم عامه هستند و سراینده دومی ابوالقاسم فردوسی (کزازی، ۱۳۹۸: ۶). دیرکرد انتقال ادبیات عامه به نوشتار در اوستیا موجب آن شده است که حماسه عظیم

1. Востоковедение / oriental studies
2. Иранистика / Iranian studies

ملی ایشان - نارت نامه - فرصت گذر از ادبیات عامه به ادبیات کلاسیک را چون شاهنامه فردوسی نیابد.

زبان آسی و سیر روند نوشتاری

زبان آسی جزء شاخه زبان‌های ایرانی شمال شرقی از زبان‌های شاخه هندواروپایی است که قبایل آسیای مرکزی و جنوب روسیه و همچنین اقوام مشهور در تاریخ باستان: سکاها^۱، سرمدها^۲، آلانها^۳ و ... بدان گویش می‌کنند. این زبان، تداوم ژنتیکی در زبان‌های سکایی، سرمدی و آلان دارد. در این زبان دو گویش اصلی دیگوری^۴ و ایرونی^۵ متمایز است (توکلی، ۱۳۸۹: ۱۰۷). گویش دیگوری در بخش غربی اوستیای شمالی و در کاباردینو بالکاریا^۶ فراوانی دارد و گویش ایرونی در دیگر قسمت‌هایی از اوستیای شمالی و نیز در اوستیای جنوبی به کار می‌رود.

زبان آسی در شمار زبان‌هایی با تاریخچه جوان در نوشتار است (اگر چه آلانها پیشتر به گواه نوشته روی مقبره زلنچوک^۷ که در سال ۱۹۸۸ کشف شده و روی آن سال ۹۴۱ عصر حاضر آمده است، پیشتر نیز دارای صورت نوشتاری بوده است). بعدها در قرن هجدهم میلادی اوستها کوشیدند صورت نوشتاری برای گویش آسی تدوین کنند. نخستین کوشش در سرو سامان بخشیدن به نظام نوشتاری آسی به تلاش‌های موزدوک^۸ و ماجار گای^۹ باز می‌گردد. در سال‌های ۱۸۲۵-۱۸۱۹ ایوان گیورگیویچ یالگوزیدزه^{۱۰} کوشید تا بر پایه الفبای گرجی الفبای زبان آسی را تدوین کند. به نظر و.ای. آبایف^{۱۱} - زبان‌شناس بزرگ آسی - الفبایی که گای و یالگوزیدزه تنظیم کرده بودند به سبب پاره‌ای مشکلات فائق نگردید. بعدها در سال ۱۸۴۴ م. شیوگرن^{۱۲} صورت نوشتاری آسی را بر پایه الفبای سیریلیک تدوین کرد که در ادامه و.ف. میللر

1. Скифы / Scythians
2. Сарматы / Sarmatians
3. Аланы / Alans
4. Дигорский диалект / Digor dialect
5. Иронский диалект / Iron dialect
6. Кабардино-Балкария / Kabardino-Balkaria
7. Зеленчукская надпись / Zelenchuk inscription
8. Моздок / Mozdok
9. Маджар Гай / Majar Gay
10. Иван Георгиевич Ялгузидзе / Ivan Georgievich Yalguzidze
11. Абаев В.И. / Abaev V.I.
12. Шегрен А.М. / Shegren A.M.

آن را تکمیل نمود (Малиева, 2015: 140). سپس در سال‌های ۱۹۳۸-۱۹۲۳ اساس تدوین الفبای آسی بر پایه لاتینه شدن بنا نهاده شد. از سال ۱۹۳۸ در اوستیای شمالی الفبای سیریلیک و در اوستیای جنوبی الفبای گرجی برای نوشتار آسی به کار برده می‌شود که متأثر از مسائل جغرافیایی و سیاسی جای‌گیری در اوستیای شمالی و اوستیای جنوبی به ترتیب در فدراسیون روسیه و گرجستان بود. نتیجه منفی چنین رویکردی، «جدایی زبانی و فرهنگی» میان اوست‌های ساکن کشور روسیه و اوست‌های ساکن گرجستان گشت. از همین روی، از سال ۱۹۵۴ اوستیای جنوبی مجدد به الفبای سیریلیک بازگشت. ابتکار چنین عملکردی از سوی روشنفکران اوستی از گروه «راست‌دزیناد»^۲ بود. در این انتقال صورت الفبایی در اوستیای جنوبی نقش تغییر دیدگاه سیاسی در گرجستان به اهمیت این موضوع بسیار موثر بوده است.

فرهنگ واژگان تاریخی ریشه‌شناسی زبان آسی نوشته و.ای. آبایف اثر مهمی در واژه‌نگاری زبان آسی در اوستیا و البته در ایران نیز به‌شمار می‌آید. این فرهنگ واژگان نخستین بار در سال ۱۹۵۸ و آخرین بار در سال ۱۹۸۹ منتشر شد. بعدها در ادامه این فرهنگ واژگان چهار جلدی، جلد پنجم - «نمایه» - در سال ۱۹۹۵ منتشر شد. این دوره فرهنگ چهار جلدی به ریشه‌شناسی و تاریخ زبان آسی می‌پردازد و در پژوهش زبان‌های ایرانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Абаев, 1958).

آن دسته از گویش‌های مربوط به یک سرزمین و کشور که در قرن بیست و یکم در حال گذر از گفتار به نوشتاری هستند، منطقی و بهینه‌تر آن است که از همان الفبایی بهره گیرند که زبان رسمی آن کشور بدان نگاهشته می‌شود. همزمان نیز تغییراتی تحت تاثیر نموده‌های آوایی گویش محلی بر پایه الفبای زبان رسمی بررسی و تکمیل شود و از نشانه‌های تکمیلی در آن الفبا برای صورت‌هایی که از کاستی انتقال آوا برخوردار هستند، استفاده شود. پرواضح است که در این راه، پاره‌ای موارد غیر منطبق در آوای واژه‌ها و صامت‌ها ممکن است یافته شود، لیکن زبان مسیر خود را می‌یابد و خود این کاستی‌ها را اصلاح و تکمیل می‌نماید. راهکارهایی چون افزودن صورت‌های نوشتاری نو برای آوایی که دارای گزینه‌های برابر در الفبای برگزیده شده در زبان مادری نیستند، از آن

1. Миллер В.Ф. / Miller V.F.
2. Растдзинад / Rastdzinad

جمله است. زبان آسی چنین مسیری را در فضای حاکمیت زبان روسی و گرجی طی کرده است و آن می‌تواند نمونه‌ای در موفقیت‌های دست‌یافته و یا کاستی‌های ممکنه در این روند در مسیر طی کردن صورت گفتاری به نوشتاری گویش‌های زبانی در نقاط مرزی که قومیت‌ها در نقاط جغرافیایی کشورهای مختلف واقع هستند، باشد. در این زبان، در الفبای سیریلیک تغییرات و اصلاحاتی وارد شده است: برخی از الفبای سیریلیک در زبان آسی در پیوند با علامت سختی [ʙ] در مقام پس‌آیندی، حروف الفبایی جدیدی را ساخته‌اند که عبارتند از: ГЪ برای نمایش صدای [h]، КЪ برای نمایش صدای [kh]، ПЪ برای نمایش صدای [ph]، ТЪ برای نمایش صدای [th]، XЪ برای نمایش صدای [q]، ЦЪ برای نمایش صدای [ch]، ЧЪ برای نمایش صدای [čh] (شفقی، ۱۳۹۹: ۱۷۴).

زبان‌هایی که در نقاط مرزی قرار دارند در گزینش الفبا شرایط خاص خود را دارند: برای نمونه زبان آسی که بخشی از آسی‌ها در اوستیای شمالی در فدراسیون روسیه به سر می‌برند و بخش دیگر آنها در اوستیای جنوبی در شمال گرجستان در مرز روسیه. چنین مواردی از گویش‌های زبانی کم‌شمار در یک کشور از آن جهت دشوار به حساب می‌آیند که هر یک جداگانه تحت حاکمیت دولتی مستقل و قدرت سیاسی و الفبای آن برای ثبت زبان مادری قرار دارند. در چنین مواردی، در روند به نوشتار درآمدن عموماً الفباهای گوناگونی آزموده می‌شود و میزان تطابق آوایی آن الفبا با زبان مادری سنجدیده می‌شود. در عین حال، استراتژی‌های سیاسی بر گزینش الفبای گویش‌های محلی آن کشورها نقشی تعیین‌کننده دارد: حاکمیت سیاسی می‌تواند فرآیند انتقال به صورت نوشتاری را به صورت موقتی متوقف و یا کند سازد، لیکن در طی مسیر رشد تاریخی، گذر از این مرحله اجتناب‌ناپذیر است و نمی‌توان مانع آن شد. از همین روی، اغلب در شکل‌گیری نوشتار گویش‌ها، روند انتقال از یک صورت نوشتاری به صورت دیگر مادامی که گویش - زبان مادری مردمان کم‌شمار - مسیر درست خود را تحت تاثیر مسائل مختلف زبان‌شناسی و جهت‌گیری‌های سیاسی بیاید، ادامه می‌یابد. و در این مسیر، اقداماتی چون اعزام معلمان غیربومی به منطقه و یا انتشار مطبوعات و پخش برنامه‌های رادیو، تلویزیون و سینما به زبان دولتی به صورت فرمان و دستور تنها موجب آزردن ساختن غرور ملی گویشوان قومیت‌های کم‌شمار و مخالفت و واکنش مرکزگرایان ایشان

می‌شود که نمونه آن را می‌توان در اقدامات پهلوی در کردستان برای گسترش زبان فارسی مشاهده کرد (خالق‌پناه، سنائی، ۱۳۹۹: ۶۹).

به جهت تأثیرات سیاسی دولت‌های روسیه و گرجستان، زبان آسی در اوستیای جنوبی چندین مرتبه تغییر الفبا را تجربه کرده: نخست گذر از الفبای سیریلیک به لاتین، سپس به الفبای گرجی و در نهایت بازگشت مجدد به الفبای سیریلیک. ملیت‌گرایی حاکمان گرجستان و اختلافات سیاسی موجود میان گرجستان و فدراسیون روسیه بر سر اوستیای شمالی و جنوبی موجب گسستگی میان «اکنون» و «گذشته» این قوم و وقفه ارتباط ادبی میان ایشان گردید.

به عقیده پائولو اُنینه^۱، به کارگیری الفبای روسی برای ثبت صورت نوشتاری گویش‌های مردمان فدراسیون روسیه و شوروی سابق می‌تواند پایه و اساسی سیاسی و یا مذهبی داشته باشد. از آن جمله است «تشویق‌هایی» که به منظور ترجمه ادبیات روسی و تبلیغ آموزش‌های مذهب پراوسلاو بر پایه زبان روسی صورت گرفته است.

به واقع، نظریه وی در مورد زبان آسی درست است: سبب گزینش الفبای سیریلیک برای ثبت زبان آسی، حمایت و گسترش مسیحیت در اوستیا بوده است (Паоло (Онъибене, 2017: 158-159).

موضوع تبلیغ مذهب و ارتباط آن با مسئله گسترش و حمایت از زبان رسمی در یک کشور موضوع مهمی است چرا که اهمیت فراوانی در «یکپارچگی سرزمین یک کشور»^۲ برخوردار است. روند درست حکمرانی در کشورهایی چند قومیتی بر اساس احترام به فرهنگ‌ها استوار است. دولت لازم است از بخش‌های فرهنگی و زبان قومیت‌های کم‌شمار خود حمایت نماید. احترام موازی حکمرانان به گویش‌ها و زبان‌های مادری در یک کشور چند قومیتی تأثیر سازنده‌ای بر ذهن و اندیشه آن مردم در مواجهه دولت‌ها با این موضوع دارد و چنین راهکاری مانع دخالت بیگانگان در مسائل داخلی کشور می‌شود. نمونه برخورد و مواجهه دولت‌مردان اتحاد شوروی سابق با این مسئله می‌تواند قابل توجه باشد. عملکرد فعال آکادمی‌های علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و فدراسیون روسیه نقش بسزایی در پیشبرد گذر از گویش به نوشتار و شکل‌گیری هویت ملی و بازتاب تنوع فرهنگی ایشان در

1. Паоло Онъибене / Paolo Onybene

2. территориальная целостность страны / territorial integrity of the country

آثار ادبی داشته است. در خصوص موضوع پژوهش پیش روی، آنچه به این روند کمک و یاری رسانده است افتتاح شعبه آکادمی علوم در ولادیققاز با هدف پژوهش در مسائل علوم انسانی و علوم اجتماعی توسط دانشمندان اوستیایی و نیز ماموریت گولدن اشتدت^۱ (۱۷۷۰-۱۷۷۳) به دستور آکادمی علوم به قفقاز به منظور پژوهش در تاریخ و مردم‌نگاری مردم این قسمت از روسیه را می‌توان نام برد؛ گشایش مرکزهای فرهنگی، منجمله هنرستان‌ها، سالن‌های تئاتر و مانند آن نیز تاثیر بسزایی در این فرایند داشته است.

نتیجه‌گیری

نقش دولت‌ها در کشورهای هم‌چون روسیه که از چندین قومیت تشکیل شده‌اند و تحت سلطه یک حکومت مرکزی قرار دارند، می‌تواند به فرایند چندزبانه بودن در کشور کمک کند. بدین منظور، لازم است در وحله نخست به آموزش زبان مادری توجه شود تا به شکل نرّم اصلی درآید. چرا که آموزش بر پایه زبان مادری برتری‌ها و اولویت‌های خود را به همراه دارد. با وجود تنوع زبانی فراوان در چنین جوامعی، بی‌تردید وجود زبان واحد به منظور برقراری ارتباط در جوامعی که از چندین قومیت و ملیت تشکیل شده‌اند برای دست‌یابی به زندگی اجتماعی حائز اهمیت است. در جوامع چندزبانه در روند جهانی‌شدن و گسترش تکنولوژی، آموزش زبان مادری که آموزش علم و دانش بر پایه آن صورت پذیرد، ضروری به نظر می‌رسد.

علاوه بر آن پژوهش‌های زبان‌شناسی موید بر موفقیت فزون‌تر کودکان در نظام دو زبانی آموزش است که در آن شرایط اندیشه و تفکر متقدانه شکل می‌گیرد و این تنها در صورتی میسر می‌شود که آموزش کودکان حداقل تا مقطع متوسطه به زبان مادری صورت گرفته باشد. در کشورهایی که بر اهمیت زبان مادری آگاه هستند، احترام به حقوق زبانی مردمانی که از شمار قلیل در آن کشور برخوردار هستند، حاکم است و آموزش مواد زبان مادری و زبان رسمی کشور هر دو هم‌پا و هم‌گام صورت می‌گیرد.

با این حال روند گذر از گویش (زبان محاوره - صورت گفتاری) به زبان ادبی (زبان نوشتاری) فرآیندی آسان و سریع نیست. چرا که اساس شکل‌گیری الفبای چنین زبانی بر اعلام رسمی دولتی و بر ساخت یک زبان ملی و برتری گرفتن آن زبان در کشور قرار دارد.

1. Гюльденштедт / Guldenshtedt

امروزه بسیاری از دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که زبان‌های دارای گویشور کم‌شمار در یک کشور نیز نیاز به عبور به گام نوشتار را دارند، زیرا که تنها از این راه می‌توان به ابزار اندیشه و شکل‌گیری شخصیت آن مردمان دست یافت و بدون سیر این مرحله این ثروت ملی و فرهنگی جهانی رو به نابودی می‌گذارد. گزینش صورت الفبای برای نگارش زبان‌های محلی در دنیای امروزی مسئله‌ای تحت تاثیر عوامل دولتی و سیاسی است: چنانچه قومیت-های دارای گویش‌های محلی درون جغرافیای سیاسی کشور قرار داشته باشند عموماً از الفبای زبان ملی آن کشور برای نوشتار زبان / گویش خود بهره می‌برند؛ چنانچه این قومیت-های زبان‌های محلی کم‌شمار در نقاط مرزی با پراکندگی آن قومیت در مرزهای جغرافیایی چند کشور قرار داشته باشد، درگیری حاکمیت قدرت‌های سیاسی گاه موجب این و یا آن الفبا خواهد گردید. در چنین مواردی گزینش الفبای نوشتار در روند سیر تاریخی و بر پایه نیروهای فرهنگی اجتماعی به رای گویشوران آن قوم دور از تاثیرات سیاسی دولت‌ها صورت می‌پذیرد. امروزه سیاست زبانی لازم است همراه با رویکرد حمایت و پاسبانی و حفظ زبان‌های محلی استوار باشد. چرا که این مسیر ممکن است به واسطه حاکمیت برساخت زبان ملی در هر کشور به طور موقتی همراه با وقفه و یا کند گردد، لیکن به طور دائم متوقف نخواهد شد. پافشاری سیاسی بر برتری برساخت زبان ملی و یا همراهی سیاسی با این روند از نظر اداری می‌تواند موجب همگرایی و یا دورشدن قومیت‌ها از دولت مرکزی گردد. بدین شکل که در روند انتقال از گویش به نوشتار زبان‌های محلی، دخالت سیاسی آنجا که یک قومیت در سرزمین‌های کشورهای مختلفی واقع است، ممکن است بسیار حساس واقع شود. برای نمونه در مورد روسیه می‌توان به جایگاه اوست‌ها که در این کشور، گرجستان و ترکیه به سر می‌برند، اشاره کرد. هر گونه فشار سیاسی بر چگونگی گزینش و ثبت مسائل فرهنگی یک قوم و یا یک ملت می‌تواند تاثیری منفی به همراه داشته باشد. در این مسیر تنها «احترام» و «حمایت» می‌تواند مردمان کم‌شمار را با حکومت مرکزی در کشورهای چند قومیتی نزدیک و هم‌دل نماید.

موضوع گزینش الفبای ملی بی‌شک تحت تاثیر مستقیم از مسائل سیاسی قرار دارد. عموماً دو پدیده لاتینه شدن و سیریلیک شدن زبان مادری در جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی و قوم‌های کم‌شمار فدراسیون روسیه به کار می‌رود. در چنین مواردی بهانه برای برگزیدن صورت الفبای لاتین و یا سیریلیک چنان ابزاری برای دستیابی به استقلال کشور و یا آن

قوم به حساب می‌آید و هر گونه جهت‌گیری نسبت به هر یک از صورت‌های الفبای نامبرده شده می‌تواند ناموفق باشد، چرا که زبان مسیر خود را از نظر تأثیرات سیاسی و نیز گذر تاریخی می‌یابد و دخالت دولت‌ها تنها روند تحکیم و تثبیت زبان‌های آن مردمان را به صورت نوشتاری همراه با وقفه تاریخی (توقف)، و یا کندتر شدن این روند فراهم می‌سازد. موضوع مهمی که دولت‌ها و سازمان‌های مسئول بدان باید توجه داشته باشند آن است که اگرچه الفبای برگزیده شده برای ثبت یک گویش به صورت زبان ممکن است پدیده‌ای نو در عصر کنونی بدون سیر تاریخی باشد، لیکن تغییر پی‌در پی این الفبا می‌تواند عاملی مضرر و مخرب بر روند و سرعت ثبت گویش باشد و در پی آن، فرایند تحصیل به زبان مادری را مختل نماید.

منابع

- احمدی پور، طاهره (۱۳۹۰)، «به سوی چارچوب سیاست زبانی ملی»، دو فصل‌نامه علمی پژوهشی زبان‌شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول، صص ۱۶-۱.
- آلیانی، فرشته؛ رضایتی کیشه‌خاله، محرم و چراغی، رضا (۱۳۹۹)، «آسیب‌شناسی پایان‌نامه‌های ادبیات عامه در ایران»، دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات ایران. سال ۸، شماره ۳۶، صص ۲۹-۱.
- توکلی، نسترن (۱۳۸۹)، «درباره زبان آسی. معرفی اجمالی مهم‌ترین زبان رایج در قفقاز»، فصلنامه تحقیقاتی مطالعاتی آران. سال هشتم، شماره ۲۳، صص ۱۱۴-۱۰۲.
- خالق‌پناه، کمال و سنائی، علی (۱۳۹۹)، «سیاست‌های زبانی و زبان‌های اقلیت: واکاوی جایگاه زبان‌های اقلیت در نظم فرهنگی - زبانی ایران مدرن (از ۱۲۲۱ ه. ش. تا به امروز)، فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، دوره سوم (سری جدید)، شماره ۴، پیاپی ۱۲، صص ۶۷-۷۷.
- داوری، حسین (۱۳۹۹)، «سیاست و برنامه‌ی زبانی. رویکرد میان‌رشته‌ای مغفول در حوزه سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی و آموزشی کشور»، راهبرد فرهنگ، شماره چهل و نهم، صص ۳۵-۷.

شفقی، مریم (۱۳۹۹)، «مواجهه مترجمان در انتقال واقعیت‌ها در ترجمه به روسی «حماسه پهلوانان اوستیا: نارت‌ها» (بر اساس ترجمه آ.آ. دزانتیف، ت.آ.هامیتسایوا)»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۲۰، شماره ۸، شماره پیاپی ۸۴، صص ۱۶۷-۱۸۶.

قریشی، فردین؛ عباس‌زاده، محمد؛ صدقی، ناصر؛ علیزاده اقدم، محمدباقر و کهنه‌پوشی، سید حامد (۱۳۹۷)، «بر ساخت‌گفتمانی سیاست زبانی در روند نوسازی ایران. مورد مطالعه، نشریه کاوه (۱۲۹۴-۱۳۰۱)»، دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱۵۳-۱۲۵.

کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۹۸)، «نارت‌نامه و شاهنامه»، مجموعه مقالات همایش علمی بین-المللی میراث تاریخی ایران در اوستیا، دانشگاه علامه طباطبائی، صص ۱۵-۳.

- Абаев В.И. (1985), Историко-этимологический словарь осетинского языка. Издательство Академии Наук СССР. Москва-Ленинград.
- Агранат Т.Б. (2017), Новые функции письменности в XXI веке. Языки малочисленных народов России: устное VS., письменное. Тезисы докладов международной научной конференции. Под ред. Головка Е.В., Осколской С.А., Певнова А.М., Сюрюна А.А., Урманчиевой А.Ю., Санкт-Петербург, 4-6 декабря 2017. СПб. С. 5-6.
- Алпатов В. М. (2013), Языковая политика в современном мире / В. М. Алпатов // Научный диалог, № 5(17) : Филология. – С. 8–28.
- Беликов В.И., Крысин Л.П. (2001), Социоллингвистика // Российский государственный гуманитарный университет. М.
- Головка Е.В., Осколской С.А., Певнова А.М., Сюрюна А.А., Урманчиевой А.Ю. (2017), Языки малочисленных народов России: устное VS., письменное. Тезисы докладов международной научной конференции. Санкт-Петербург, 4-6 декабря 2017. СПб. – 68 с.
- Государственная Дума Федерального собрания Российской Федерации. Новый текст Конституции РФ с поправками 2020 г. <http://duma.gov.ru/news/48953/>, дата обращения: 05 августа 2021 г.
- Гузенина С.В. (2012), Культурная самобытность в фокусе современных научных исследований. Аналитика культурологии. С. 1-4.
- Гулинов Д.Ю. (2011), Языковая политика: определение и характеристики. Известия ВГПУ. Современная теория языка. №5 (59). С. 7-11
- Досакаев А.Б. (2015), Бесписьменные языки коренных малочисленных народов Северного Кавказа: конституционно-правовой анализ. Конституционное и муниципальное право. Научно-практический журнал. Общество и право. № 1 (51). С. 45-49.
- Дюпин А.А. (2019), Проблемы социально-экономического развития Сибири. Государственная национальная политика в отношении коренных

- малочисленных народов в дореволюционном, советском и постсоветском законодательстве. № 2, С. 110-116.
- Исаев М.И. (2002), Этнолингвистические проблемы в СССР и на постсоветском пространстве. Вопросы языкознания. № 6. С. 101-117.
- Камболов Т.Т. (2007), Языковая ситуация и языковая политика в Северной Осетии: история, современность, перспективы: Монография / Под редакцией доктора филологических наук М.И. Исаева; Северо-Осетинский государственный университет. Владикавказ: Издательство СОГУ, 290 с.
- Кирилина А.В. (2015), Сходства в развитии коммуникативно мощных европейских языков в эпоху глобализации // Вопр. психолингвистики. – М. – № 2 (24). – С. 77–89.
- Малиева З. Н. (2015), К вопросу об истории изучения осетинского языка. Филологические науки. Вопросы теории и практики, № 1 (43), часть 2. С. 139-141.
- Мальцева А.А., Барсукова Н.Е., Ключникова Е.В. (2019), Рейтинговая оценка деятельности органов власти субъектов Российской Федерации по сохранению и поддержке родных языков народов Российской Федерации. // управленческое консультирование. № 12. С. 104-122.
- Мартынова М.Ю., Степанов В.В. (2019), Измерение культурного многообразия. Языковая ситуация, переписи, полевая этностатистика / ред. Мартынова М.Ю., Степанов В.В. – Москва: ИЭА РАН. – 433 С.
- Михальченко В. Ю. (2014), Варьирование национально-языковой политики в современной Российской Федерации. (Языковая политика и языковые конфликты в современном мире. – М. – С. 24-29.
- Моуравова М. Л. (2015), Лингвометодические проблемы взаимосвязанного обучения осетинскому и русскому языкам в условиях осетинской начальной школы. письма в Эмиссия. Электронное научное издание (научно-педагогический интернет-журнал).
- Павловский В.С. (2019), Конститутционно-правовое регулирование компетенции органов государственной власти и органов местного самоуправления в сфере межнациональных отношений. Диссертация на соискание ученой степени кандидата юридических наук. М. –175 с.
- Паоло Онъибене (2017), алфавит как политический вопрос. Палеоазиатские языки и их алфавиты. Studi Slavistici xiv. С. 157-180.
- Рекош К.Х. (2014), Языковая политика в Европе - Вавилоне XXI века/ М.: Вестник МГИМО-Университета, (3(36)): С. 224-231. <https://doi.org/10.24833/2071-8160-2014-3-36-224-231>
- Сафаралиев Г.К. (2014), Стратегия государственной национальной политики Российской Федерации на период до 2025 года: задачи и перспективы. Материалы парламентских слушаний. 5 декабря 2013 года.-М.: издание Государственной Думы.– 48 с.
- Сафаралиев Г.К. (2014), Государственная языковая политика Российской Федерации: состояние и перспективы. Материалы «круглого стола». М.: Издательство Государственной Думы. – 48 с.
- Собченко Т.А. (2016), Языковая политика в современной испании / Международный научно-исследовательский журнал : Сб. Ст. Том 5(47),

часть 2 / Главный редактор: Миллер А.В.– Екатеринбург., С. 53-54, DOI: 10.18454/IRJ.2016.47.058.

- Строгальщикова З.И. (2013), Европейская хартия региональных языков или языков меньшинств как важный механизм защиты языков коренных малочисленных народов России. Современное состояние и пути развития коренных малочисленных народов Севера, Сибири и Дальнего Востока Российской Федерации, Совет Федерации Федерального Собрания Российской Федерации. с: 188-197.
- Сюткина И.С. (2014), Языковая политика многоязычия как мультикультурный проект. Многоязычие в образовательном пространстве: сб. ст. Том 6 / ред.: Т.И.Зеленина, Л.М. Малых, Н.М. Шутова.- Ижевск.: изд-во «Удмурский университет». – 254, с. 102.
- Трошина Н.Н. (2015), Немецкий язык в современной европе (научно-аналитический обзор) / Языковая ситуация в Европе начала XXI века: Сб. обзоров / РАН. ИНИОН. Центр гуманит. науч.-информ. исслед. Отд. языкознания; Отв. ред. Трошина Н.Н. – М., 2015. С. 102-121.
- Шапаров. А.Е. (2015), Этнонациональная политика России в Арктике: основные подходы и принципы. Арктика и Север. № 21. С. 98-117.
- Швейцер А.Д. (1978), Никольский Л.Б. Введение в социолингвистику. М. : Высш. шк.
- Штыров. В.А. (2013), Государственная политика в области обеспечения устойчивого развития коренных малочисленных народов Севера, Сибири и Дальнего Востока Российской Федерации. Современное состояние и пути развития коренных малочисленных народов Севера, Сибири и Дальнего Востока Российской Федерации. Совет Федерации Федерального Собрания Российской Федерации. С. 8-24